



۴ ژوئیه ۲۰۰۹



«تغییر» یا تکبیر؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر فاقد «ابهام» است.

هدف پروپاگاندا استعماری از کوبیدن بر طبل «تقلب» در انتخابات انحراف افکار عمومی است. استعمار می‌خواهد با توسل به شیوه «تمرکز بر یک نقطه»، مطالبات ملت ایران را به «رفع تقلب» از شبه‌انتخابات حکومت تقلیل دهد، تا روحانی‌نمایان جمکران و حکومت دینی کسب وجهه کنند. به عبارت دیگر بوق‌های پنتاگون برای مخدوش کردن «کل» در شیپور «جزء» می‌دمند. به همین دلیل است که دستاربندهان حکومتی از منتظری تا شیخ صناعی روزی پنج نوبت برای «صیانت» از آراء مردم بیانیه صادر می‌کنند تا به شوت‌وپرت‌ها تفهیم کنند که برگزاری «انتخابات» و تضمین «سلامت» آن «واجب شرعی» است، یا اینکه «دین مبین» اعتراف زیر شکنجه را محکوم می‌کند و ... و خلاصه حضرات ریش و نعلین، در حال «ملاخور» کردن مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشراند.

روحانی‌نمایی که باز هم جهت انحراف افکار عمومی و عوام‌فریبی «در کنار مردم» قرار گرفته‌اند، برای اثبات «حسن نیت» خود می‌توانند با صدور یک بیانیه رسمی حمایت بی‌قید و شرط خود را از «اعلامیه جهانی حقوق بشر» اعلام کنند. در اینصورت ما هم به آنان توضیح می‌دهیم که جنبش لائیک نه «دین‌ستیز» است نه خواهان نابودی روحانیت. ما می‌خواهیم بنیاد مذهب در جایگاه واقعی خود قرار گیرد و ایمان و اعتقاد مردم را به ابزار قدرت‌طلبی تبدیل نکند. چون با سفر جوزف بایدن به عراق و اعلام مواضع نوین آمریکا، تمام تلاش سازمان ناتو برای تضمین «تداوم» حکومت اسلامی نقش بر آب شده.

پس به عمل حکومت آب‌منگل‌ها می‌گوئیم که کور خوانده‌اید! حتی اگر مجلس فرمایشی جمکران در یک حرکت نمایشی احمدی‌نژاد را عزل کند، ما ساکت نمی‌نشینیم. مطالبات ما «جایگزینی» احمدی‌نژاد با میرحسین موسوی نیست، ما خواهان استقرار یک حکومت دموکراتیک در ایران هستیم. ما خواهان تدوین قانون اساسی بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر هستیم. در این راستا «جدائی دین از سیاست» الزامی است.

حکومت جمکرانیان سفاک در تمامیت خود متزلزل شده، به همین دلیل هر دو جناح این حکومت برای «حفظ وضع موجود» در سنگر «قانون» پناه گرفته‌اند. بن بست این حکومت همینجاست. پس تمام حملات ما باید بر این سنگر متمرکز شود. تمام توحش حکومت اسلامی با تکیه بر همین قانون توجیه می‌شود.

قانون اساسی حکومت اسلامی، پس از اشغال سفارت آمریکا و در سایه جنجال و تحمیل انزوای «سیاسی - اقتصادی» با «تقلب» بر ملت ایران تحمیل شد، و امروز اربابان حکومت اسلامی می‌کوشند با جنجال و هیاهو پیرامون دستگیری کارمندان سفارت انگلستان باز هم ما را در انزوای سیاسی قرار داده، سلطه همین قانون توحش را بر ملت استحکام بخشند. پای به میدان آشوب نگذاریم، اجازه ندهیم مطالبات ملی ما را به «سلامت انتخابات» جمکرانی‌ها تقلیل دهند، آنهم در حکومتی که «انتخابات نمایشی» را به ابزار کسب مشروعیت در برابر اربابان جهت سرکوب مردم تبدیل کرده. هیچ اتحادی با طرفداران موسوی و «پیروان خط امام» در کار نخواهد بود. هر دو جناح طایفه آب‌منگل‌ها در بن بست قرار گرفته‌اند، «تغییر» در منطقه غیرقابل اجتناب است و اتحادیه اروپا بزودی ناچار خواهد شد به حمایت بی‌قید و شرط خود از دستاربندان جمکران و سرکوب ملت ایران پایان دهد.

جنگالی که هر دو جناح کاذب حکومت اسلامی به یاری اربابان در لندن و واشنگتن به راه انداخته‌اند برای به بیراهه کشاندن همین «تغییر» و به بیراهه کشاندن مطالبات ماست. پس ابتدا باید از جنجال و هیاهو فاصله بگیریم تا «شرایط واقعی» را آنچنان که هست ببینیم. سپس با در نظر گرفتن شرایط از خود بپرسیم هدف ما چیست و چگونه می‌توانیم از طریق «مسالمت آمیز» با پرهیز از هرگونه خشونت چه در «شعار» و چه در «رفتار» به آن دست یابیم؟

مهم‌ترین اصلی که باید در نظر داشته باشیم این است که هیچ دولتی چه در غرب و چه در شرق مدافع منافع ما نیست. منافع ملی ما با منافع ملی ایالات متحد و متحدان‌اش در تضاد قرار می‌گیرد. ابراز عشق مطرب و لوطی و انتر و سگ‌های دست‌آموز سیرک پنتاگون به ما ملت جز نیرنگ و ریا هیچ نیست. پس فریب مهر و محبت‌شان را نخوریم که بوی «نفت» می‌دهد. «هنرمندی» که آشکارا از تهاجم نظامی به یوگسلاوی حمایت کرده، «گله روشنفکرانی» که تهاجم نظامی به عراق و افغانستان را توجیه می‌کنند، سناتور مک‌کین و شرکاء، و خلاصه محافل «خشونت‌طلب» نمی‌توانند مدافع آزادی ملت‌ها باشند. این است چارچوب کلی شرایط واقعی ما.

حال که شرایط واقعی تا حدودی مشخص شد، و متوجه شدیم که هیچکس با ما نیست و ما تنها هستیم، باید ببینیم چه می‌خواهیم؟ مطالبات ما چیست؟ هدف ما از اعتراض چیست؟ آیا هدف ما تضمین «سلامت انتخابات» در حکومت سفاکی است که قانون اساسی‌اش، «حقوق انسانی» را اصولاً به رسمیت نمی‌شناسد، و تمام قوانین و مقررات‌اش باید به تأیید «شورای نگهبان» برسد؟ شورائی که جانوران وحشی، از قبیل جنتی در آن لانه کرده‌اند؟ به فرض که میرحسین موسوی بجای احمدی‌نژاد بنشیند و اصلاح‌طلبان گروه خاتمی هم مجلس جمکران را تسخیر کنند، «شورای نگهبان» همچنان قوانین را طبق منافع استعمار در «چارچوب اسلام» تفسیر خواهد کرد. مهم نیست اعضای این شورا که هستند، مهم این است که اربابان دین‌پرور حکومت اسلامی در لندن و واشنگتن نشسته



و مدافع دستار و نعلین‌اند. پس هدف ما نمی‌تواند به «مبارزه با تقلب» در شبه‌انتخابات جمکران متمرکز شود. هدف ما دستیابی به حقوق انسانی است، و برگزاری انتخابات و سلامت آن فقط بخش کوچکی است از همین حقوق. پس اگر خواهان تأمین «حقوق انسانی» خود هستیم، باید ببینیم بدون توسل به خشونت، چگونه و از چه طریق می‌توان به چنین حقوقی دست یافت؟

مهم‌ترین نکته‌ای که در این مرحله می‌باید در نظر داشته باشیم، «انتخاب شعار» است. شعار، چارچوب مطالبات ما را مشخص می‌کند. پس با سر دادن الله‌اکبر روی پشت‌بام مسلماً کسی نمی‌تواند ادعا کند که خواهان حقوق انسانی است. شعار «خدا بزرگ است» آنهم به زبان عربی نشان می‌دهد که شعاردهنده محترم معتقد به وجود «اسلام خوب» در تقابل با «اسلام بد» است، و هدف‌اش دستیابی به «اسلام راستین»، «اسلام ناب محمدی» و بازگشت به دوران شیرین حکومت نظامی ژنرال ازهار می‌فلوک است که به کودتای ژنرال هوپوز و ظهور خمینی دجال منجر شد. پس لازم است از هم‌صدائی با گله اسلام پرستان و پیروان خط امام خودداری کنیم. هر چند ما نیک می‌دانیم که بعضی‌ها از لج خامنه‌ای با «فاشیست - مسلمان‌های» گروه خاتمی هم‌صدا می‌شوند. ولی باید حضورشان عرض کنیم رفتار غیرمنطقی و احساسی در مبارزات سیاسی فقط نشان حماقت است. اگر نتوانیم با شرایط موجود برخورد منطقی داشته باشیم باز هم بازنده خواهیم شد. چرا که حکومت اسلامی یک مجموعه منسجم و دست‌نشانده انگلوساکسون‌هاست و این تشکیلات همان است که محفل کودتای ۲۲ بهمن می‌نامیم. محفل کذا جنگ زرگری انتخابات اخیر را فقط برای حفظ «سنگر استعمار» یا همان قانون اساسی به راه انداخته.

در تاریخ اول خردادماه سالجاری، دولت روسیه از پذیرش حکومت اسلامی در «سازمان شانگهای» خودداری کرد. در آخرین روزهای اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۸، مقامات امنیتی حکومت اسلامی از جمله آهنی، حسن روحانی و ... در مسکو حضور بهم رسانده، ضمن اعلام مواضع نوین ارباب در مورد مسائل منطقه، خواهان عضویت در پیمان شانگهای شده بودند! ایرنا، مورخ ۳۰ اردیبهشت‌ماه سالجاری نیز در گزارشی با کد: ۴۹۸۶۸۲ به این «تقاضای رسمی» اشاره کرده. البته به یاد داشته باشیم که چنین درخواستی با هدف تحکیم پایه‌های حکومت طالبان جمکران از سوی اربابان این حکومت در لندن و واشنگتن مطرح می‌شد. بنابراین پاسخ منفی کرم‌لین در واقع مخالفت صریح روسیه با دوام و بقای حکومت توحش جمکران و بحران‌سازی در منطقه بود. تأیید نامزدی ۴ عضو طایفه آب‌منگل توسط شورای نگهبان در واقع پاسخی بود به مخالفت کرم‌لین با حکومت توحش جمکران.

اگر به یاد داشته باشیم لغو سفر دو روزه «فرائینی»، وزیر امور خارجه ایتالیا به تهران در همین تاریخ صورت پذیرفت. بقیه ماجرا هم که در برابرمان

است: تخریب همه جانبه از طریق سخنرانی، مکاتبه و مناظره‌های مهوع، لات‌بازی، کودتای ۲۲ خرداد جهت کسب مشروعیت برای حکومت منفور جمکران و تلاش برای کودتای ۲۵ خرداد. همچنانکه گفتیم هدف سیاست استعمار تبدیل «خشونت» و «ابتدال» به یک هنجار اجتماعی در ایران است. تحمیل «تئوکراسی» بهترین ابزار برای دستیابی به چنین هدفی است. در وبلاگ دیروز نیز توضیح دادیم، تئوکراسی همزمان با تحمیل «تقدس» پدر و رهبر بر جامعه و خانواده، خشونت، توحش و ابتدال، یا بهتر بگوئیم انسان‌ستیزی را نیز «توجیه» می‌کند. پس بازگردیم به تظاهرات غیرمجاز و به ویژه تصاویر «مرگ ندا» و بررسی پروپاگاندا استعماری که پیرامون آن به راه افتاده، تا بتوانیم به عمق سیاست استعمار پی ببریم. پیشتر گفتیم که واقعیت یا عدم واقعیت این ماجرا هیچ خدشه‌ای به اصل پروپاگاندا پیرامون آن وارد نمی‌کند، چرا که پروپاگاندا، مانند اعتقاد به خرافات دین، بر «باورها» تکیه دارد نه بر شواهد و مستندات.

پس از شکست کودتا، و قانون‌مدار شدن محمد خاتمی، سرداران و مقامات و نخبگان حکومت گورکن‌ها همه زبان باز کردند تا به زعم خود به شایعات پایان دهند. ولی کار اصلی اینان جز دامن زدن به شایعات و گسترش پروپاگاندا استعمار هیچ نیست. یکی از سرداران ادعا کرد، قاتل ندا همان «شاهد» قتل است، و ایشان از «اینترپل» خواهان دستگیری او شده‌اند! پیش از ادامه مطلب یادآور شویم که در تصاویر مرگ ندا، صورت «شاهد» دیده نمی‌شود. در نتیجه هر کسی می‌تواند ادعا کند در محل حضور داشته. گویا شاهد کذا فردی است به نام «آرش حجازی» که طبق «اخبار موثق جمکران» در مصاحبه خود قاتل را یک بسیجی معرفی کرده. در هر حال ایشان در پاسخ به سردار کذا یک مقاله نوشته‌اند تا از خود رفع اتهام فرمایند. با در نظر گرفتن این اصل که حضورشان در محل به تأیید خودشان رسیده و بس، نگاهی خواهیم داشت به پاسخ آرش حجازی که در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۳۸۸، تحت عنوان «یادداشتی برای نسل‌های آینده» انتشار یافته.



این «یادداشت»، همزمان حمایتی است از ارزش‌های توحش حکومت اسلامی، دفاع از جنگ ۸ ساله، و تأیید این حکومت که تمام محورهای انسان‌ستیز پروپاگاندا استعماری را در خود دارد. بهتر است بگوئیم متنی است در مسیر تأیید خودستایی، پدرستانی، ایمان، خشونت، شهادت و جنگ که شهیدپروری شیعی‌مسلمانان را با جان باختن در راه میهن در هم آمیخته. در یک جمله کوتاه، متنی است سرشار از «تقدس» دینی و بومی با چاشنی داس‌الله.

نویسنده مطلب خود را با سروده‌شاملو آغاز می‌کند که از هراس و مرگ و مزد گورکن می‌گوید. سپس خود را «نیکوکار»، «پیشگو»، طرفدار «حقیقت»، «شریف» و مخالف ظلم و دروغ «دولت»، و نه مخالف حکومت اسلامی معرفی کرده و به «افتخاریدن» می‌پردازد. ایشان به قتل یک «دختر معصوم» هم اشاره می‌کند تا مشخص شود از نظر تفکر اجتماعی دقیقاً در کنار آخوند جماعت نشسته.

در ادامه این مطلب، آرش حجازی، شاهد فرضی ماجرای ندا، زبان به ستایش پدر محترم‌شان می‌گشایند که گویا «استاد دانشگاه» و «چهره ماندگار» هستند! البته ما پدر ایشان را نمی‌شناسیم ولی نمی‌دانیم شغل پدرشان در این میان چه اهمیتی می‌تواند داشته باشد و «استاد دانشگاه» به چه دلیل «چهره ماندگار» شده؟ اما می‌توانیم بگوئیم که «پدرستانی»، در واقع نوعی ستایش قدرت است و «استاد دانشگاه» نوعی نماد «قدرت» به شمار می‌رود. مهم‌ترین بخش مطلب حجازی آنجاست که ضمن طبل زدن برای کودتای هویزر و دفاع از جنگ استعماری با عراق، در واقع به نشخوار ترهات خمینی و اربابان حکومت پرداخته:

«انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بر عهدی بنیان گذارده شده که امروز مردم ایران همچنان به آن پای‌بندند. ملجاء مردم در هنگام نبرد علیه استبداد رژیم گذشته همین ایمان بوده، و نیز هنگامی که خون بسیاری را فدا کردند تا در برابر تهدید خارجی از سوی مستبدی دیگر که با مشت آهنین بر عراق حکومت می‌کرد، از سرزمین‌شان دفاع کنند [...] همواره کوشیده‌ام زندگی صادقانه و شریفی داشته باشم و هرگز به ارزش‌هایم خیانت نکرده‌ام [...] خدا پروردگار شجاعان است. ایمان دارم که حقیقت ما را آزاد خواهد کرد [...] این دروغ تمامی ادعاهای این دولت مشخص را زیر سؤال می‌برد [...] بر خود می‌بالم [...] تمامی این شهدا کاری را کردند که هر جان‌آزاده‌ای انجام می‌داد، و به همین خاطر به قتل رسیدند [برای آزادی راستی و عدالت.]»

این مزخرفات «داسی - دینی» به بهانه پاسخ به چرندیات همان سردار کذا پخش می‌شود. آرش حجازی که خود را انسان شریف، پزشک، نویسنده و ناشر هم معرفی می‌کند در لابلای این پروپاگاندا مهوع برای حکومت اسلامی

تلاش کرده دخالت بیگانگان در آشوب‌های اخیر را نیز کتمان کند. البته معلوم نیست این «جان شیفته» چرا برای شهادت در تهران نماند؟! داستان خودستایی‌ها و پدرستانی‌ها، یا بهتر بگوئیم خشونت‌پرستی حجازی که خود را از قضای روزگار مدافع حقوق بشر نیز می‌خواند، بحر طویل کسالت‌آوری است که روی شبکه اینترنت موجود است پس علاقمندان به مطالعه «توضیح المسائل حجازی» را به مراجعه به سایت‌های مبلغ حکومت دعوت می‌کنیم و باز می‌گردیم به منافع بیگانگان در آشوب‌های اخیر.

رسانه لوموند، آرزو کرده که به دلیل مسائل «انتخابات»، مذاکرات هسته‌ای با ایران انجام نشود. پیشتر گفتیم که تجهیز حکومت اسلامی به سلاح اتمی جهت تهدید روسیه سیاست سازمان ناتو است. آفتاب آمد دلیل آفتاب! ولی همانطور که گفتیم با کم‌شدن شر «ابوالهول» هسته‌ای، یا همان البرادعی، کارفرمایان لوموند ناکام خواهند شد! امروز اعلام شد دولت فرانسه پیش از ۱۴ ژوئیه سالجاری کابینه را بار دیگر «ترمیم» خواهد کرد! یادآور شویم طی یکماه این دومین ترمیم در کابینه دولت خواهد بود. همچنین نیکولاسرکوزی سراسیمه راهی سوئد شد، تا با نخست وزیر سوئد، ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا گفتگو کند. گویا مانوئل باروسو هم روی پوست خربزه جادویی لیز خواهد خورد.

همچنانکه گفتیم «تغییر واقعی» در راه است. سفر جوزف بایدن، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحد به بغداد مهم‌ترین نشانه «تغییر» سیاست سنتی ایالات متحد در منطقه است. روز گذشته جوزف بایدن رسماً «تجزیه نرم» عراق را منتفی دانست و اعلام داشت در صورت تداوم خشونت‌های قومی ایالات متحد سیاست خود را برای حمایت از عراق مورد بازبینی قرار خواهد داد. سخنان جوزف بایدن در واقع خطاب به انگلستان ایراد می‌شود که در آرزوی تجزیه عراق به سه کشور شیعه، سنی و کرد است، و همزمان از مقتدی صدر و افراط‌گرایان سنی و کرد حمایت می‌کند. اگر آمریکا سربازان خود را از عراق خارج کند، انگلستان نمی‌تواند در این کشور بماند! و به این ترتیب بریتیش پترولیوم هم باید مناقصه نفتی ۲۰ ساله خود را فراموش کند. مسلماً انگلستان طی چند ماه آینده ناچار خواهد شد بین نفت عراق، طالبان‌پروری در جمران و تجارت مواد مخدر در هلمند دست به گزینشی «منطقی» بزند.

